تخت سلیمان پس از آباقاخان

یوسف مرادی

عضو هیات علمی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

درآمد

مجموعهٔ تاریخی تخت‌سلیمان در ۴۲ کیلومتری شمال شرقی تکاب و ۲ کیلومتری شرق دهکدهٔ نصرت‌آباد در استان آذربایجان غربی واقع است (نقشهٔ ۱).

این مجموعه روی صفهٔ بیضی‌شکلی از رسوبات تراورتن قرار گرفته که ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف در حدود ۵۲ متر است (تصویر ۱). هر چند شواهد و مدارک باستان‌شناختی نشان می‌دهد در این مجموعه آثاری از دوره‌های هخامنشی تا ایلخانی وجود دارد، اوج رونق و شکوفایی آن در دو دورهٔ ساسانی و ایلخانی بوده است. در دورهٔ ساسانی، روی صفهٔ طبیعی، حصار مستحکمی به شکل بیضی نامنظم با بلوک‌های راسته و ساروج و لاشه‌سنگ ساخته شد. این حصار ۳۸ برج مدور و دو دروازه دارد، که یکی در جبههٔ جنوب شرقی و دیگری در جبههٔ شمالی واقع است. بناهای داخل این حصار از چندین بخش تشکیل شده؛ بخش اول ایوان غربی معروف به ایوان خسرو، بخش دوم آتشکدهٔ معروف به آذرگشنسب و واحدهای اطراف آن، بخش سوم مجموعهٔ اتاق‌های ستون‌دار و فضاهای اطراف آن است.

پس از دورهٔ ساسانی، مجموعهٔ تخت‌سلیمان، به‌ویژه آتشکدهٔ معروف به آذرگشنسب، تا دورهٔ عباسی مورد توجه بوده، به طوری که مورخان و جغرافیانگاران ایرانی و عرب اشاره می‌کنند که زرتشتیان با پرداخت جزیه به مسلمانان همچنان از این مجموعه استفاده می‌کرده‌اند (دولف، ۱۳۴۲: ۴۰-۳۸).

پس از سده‌های نخستین اسلامی، یا به عبارتی صریح‌تر در دورهٔ سلجوقی، در داخل مجموعهٔ تخت سلیمان دهکده‌ای شکل گرفته که تا زمان آباقاخان حکمران ایلخانی، به حیات خود ادامه داده است. اما در این زمان آباقاخان به دلایل مذهبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ساکنان این روستا را از مجموعه بیرون راند و بر ویرانه‌های دوره‌های قبل، به‌ویژه دورهٔ ساسانی، مجموعه بنای عظیمی ساخت (نقشهٔ ۲)، که بعدها به کاخ شکار معروف شد. بنا بر متون تاریخی، این مجموعه‌بناها بر اثر زلزلهٔ مهیبی تخریب شده است.

شواهد و مدارک باستان‌شناختی نشان می‌دهد همان مردم ناراضی که پس از بیرون رانده شدن از حصار در بیرون از مجموعه و در دامنهٔ تپه‌ها ساکن بودند، مجدداً به داخل مجموعه برگشتند و این‌بار با استفاده از مصالح بناهای کاخ شکار ساخت‌وسازهای وسیعی را آغاز کردند. بخش زیادی از این ساخت‌وسازها به هنگام کاوش‌های باستان‌شناختی در حدفاصل آتشکده و دیوار شمالی حصار شناسایی شد. این بافت ساختمانی به سایر قسمت‌های مجموعه نیز گسترش یافته است. در این بافت علاوه بر خانه‌های مسکونی، بناهای مذهبی و عام‌المنفعه‌ای چون مسجد، بازار، حمام و کارگاه‌های صنعتی وجود دارد که در مورد هریک از آنها بحث خواهیم کرد.

مسجد

طی چهارمین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی در سال

۱۳۸۳ شمسی، بقایای بنای مربع‌شکلی شناسایی شد که هیئت آلمانی به سرپرستی ناومان در سال ۱۹۶۳م به گمانه‌زنی و پیگیری در آن پرداخته بود. ناومان با شناسایی برخی از دیوارها و همچنین گمانه‌زنی در داخل بنا، تالاری چهارستونی ترسیم کرد که درگاه ورودی آن در ضلع جنوبی قرار دارد (ناومان: ۱۳۷٤، ضمیمه ۳). هرچند او هیچ‌گونه مطلبی دربارهٔ این تالار فرضی منتشر نکرده با توجه به اینکه نقشهٔ این سازه بدون هیچ‌گونه تمایزی در ادامهٔ ساختمان‌های کاخ شکار ترسیم شده، می‌توان چنین پنداشت از نظر وی، تالار ترسیمی بخشی از بنای تشریفاتی آباقاخان حاکم ایلخانی بوده است.

پس از ناومان، دیتریش هوف مجدداً به گمانه‌زنی و پیگیری در این محدوده پرداخت. هوف نیز هیچ گزارشی از این سازه منتشر نکرد و همانند همکارش به ترسیم پلانی از آن در ادامهٔ ساختمان‌های کاخ شکار آباقاخان بسنده کرد (هوف، ۱۳٦۸: ۸). در پلان او، این سازه به شکل تالار ستون‌داری بدون ورودی ترسیم شده است. از پلان ترسیمی هوف نیز می‌توان دریافت که به اعتقاد او تالار ستون‌دار بخشی از معماری ایلخانی زمان آباقاخان بوده است.

پس از او، در سال ۱۹٦۵م ولفرام کلایس بر مبنای گمانه‌زنی‌های پیشین، در چند سطر بخش‌های کاوش‌شدهٔ بنا را توصیف و پلان‌هایی از آن ترسیم کرد (نقشه‌های ۳ و٤). وی این بنا را تالار چهارستونی از دورهٔ ایلخانی دانسته، (Kleiss, 1967 PP.717-713)، در حالی‌که کاوش‌های این فصل نشان داد این بنا نه تالار تشریفاتی از زمان آباقاخان که بقایای مسجدی از اواخر دورهٔ ایلخانی است. این مسجد شبستان ستون‌دار مربع‌شکلی به ابعاد ۱۰×۹/۹۳ متر دارد که راه دسترسی به آن از طریق درگاهی در ضلع شمال غربی است (نقشهٔ ۵). در کف شبستان، چهار ستون سنگی وجود داشته که صحن مسجد را به سه بخش تقسیم کرده است (تصویر۲). هریک از این ستون‌ها روی سکویی از آجر و سنگ قرار دارد. ستون‌های این مسجد همان ستون‌های سنگی از جنس سنگ‌های ماسه‌ای قرمزرنگ دورهٔ ایلخانی است که ابتدا در بناهای تشریفاتی کاخ شکار آباقاخان به کار رفته و پس از تخریب، مجدداً در شبستان این مسجد استفاده شده است. در دیوار جنوبی مسجد، محرابی با پلان نیم‌بیضی وجود دارد (تصویر۳). این محراب بر خلاف دیوارهای مسجد با آجرهای نسبتاً سالم و شکستهٔ دورهٔ ساسانی و ایلخانی چیده شده و فاقد هرگونه تزئینی است. البته در برخی از قسمت‌های داخلی دیوار جنوبی و غربی، بقایایی از اندود گچ دیده می‌شود و بر همین اساس می‌توان پذیرفت سطوح داخلی محراب نیز دارای لایه‌ای از اندود گچ بوده است.

از نظر گاهنگاری، مدارک معتبری وجود دارد که نشان می‌دهد این مسجد متعلق به ساکنان شهرکی است که پس از تخریب بناهای تشریفاتی کاخ شکار شکل گرفته است. از جملهٔ این مدارک، وجود کاشی‌های تزئینی بناهای تشریفاتی کاخ شکار در مقطع دیواره‌ها، گچ‌های بلااستفاده‌ای که روی آنها اثر کاشی تزئینی دیده می‌شود، به‌کارگیری مجدد بلوک‌های ماسه‌ای قرمزرنگ بنای هشت‌ضلعی زمان آباقاخان در این مسجد و استفادهٔ مجدد از پایه وساقهٔ ستون‌های بناهای تشریفاتی کاخ شکار آباقاخان است.

بر مبنای این تفاسیر و همچنین با توجه به اینکه قطعات زیادی سفال دورهٔ ایلخانی از نوع اسگرافیاتو، زرین‌فام، لعاب پاشیده، سلادون، سیاه‌قلم و لعاب یک‌رنگ از داخل این مسجد به دست آمده و همچنین با توجه به اینکه در زیر این مسجد، بقایایی از خانه‌های مسکونی و کارگاه‌های صنعتی دورهٔ ایلخانی قرار دارد، می‌توان زمان ساخت آن را کمی پس از تخریب بناهای کاخ شکار و به عبارتی اواخر دورهٔ ایلخانی دانست. پس از متروکه شدن مسجد، کوچ‌نشینان فصلی با اندک تغییراتی از فضای داخل آن برای سکونت استفاده کرده‌اند.

حمام

از دیگر بناهای عام‌المنفعهٔ شناسایی شده در بافت این شهرک، حمام‌های عمومی است. این حمام‌ها، بر خلاف سایر بناهای شهرک تخت سلیمان، روی ساخت‌وسازهای دوره‌های قبل احداث نشده، بلکه به منظور انتقال سریع آب، ساخت‌وسازهای لایه‌های زیرین را تخریب کرده و حمام‌ها را با استفاده از مصالح بناهای قبلی روی سطح صفهٔ رسوبی احداث کرده‌اند. یکی از این حمام‌ها که در حد فاصل آتشکدهٔ آذرگشنسب و دروازهٔ شمالی قرار

فاده از چند بخش تشکیل شده است (نقشهٔ ٦، تصویر٤).
ورودی حمام سربینهٔ مستطیل‌شکلی است که از طریق
آن می‌توان به سایر قسمت‌های حمام دسترسی پیدا کرد
(تصویر٥). راه ورود به این سربینه از طریق پلکانی است
که در گوشهٔ جنوب غربی آن قرار دارد. متاسفانه به علت
ساخت‌وسازهای دورهٔ بعد، به این بخش از حمام آسیب
زیادی وارد شده است. در سمت چپ ورودی، اتاقک
کوچکی وجود دارد که احتمالاً محلی برای کنترل ورود و
خروج افراد بوده است. در جبههٔ شرقی سربینه، سکویی
به عرض ۱/٤ متر برای نشستن مراجعه‌کنندگان ساخته
شده و در کنار این سکو دو پایه ستون سنگی نیز قرار
دارد که احتمالاً از آنها نیز برای نشستن استفاده می‌شده
است. در ضلع جنوبی سربینه، دیوارکی به ارتفاع یک متر
ساخته‌اند که روی آن کانال آجری برای انتقال آب کشیده
شده که پس از عبور از زیر سکوی شرقی، آب را وارد
یکی از خزینه‌های داخل حمام می‌کند (تصویر ٦).

کف سربینه با تخته‌سنگ‌های نسبتا بزرگ و
بلوک‌های ماسه‌ای قرمزرنگ بناهای تشریفاتی دورهٔ
ایلخانی سنگ‌فرش شده است. در ضلع شمالی سربینه
با عبور از پلکانی می‌توان به یک راهرو نسبتاً باریک
و نهایتاً به فضای میان در وارد شد (تصویر۷). با عبور از
داخل این فضا می‌توان وارد راهرو نسبتا باریکی شد که
به خزینه و گرمخانه‌های حمام منتهی می‌شود. این حمام
دارای دو گرمخانه است. راه دسترسی به یکی از این
گرمخانه‌ها راهروی پر پیچ‌وخمی است، به گونه‌ای که
مانع دید مستقیم به داخل بینه می‌شود. بر دیوار این راهرو
طاقچه‌ای برای قرار دادن وسایل نظافت وجود دارد. بر
دیوار شرقی بینه، حوضچه‌ای تعبیه شده (تصویر۸) که
آب از طریق یک کانال وارد آن می‌شده است. آب این
حوضچه را با ظرفی روی خود می‌ریختند.

در زیر کف راهرو ورودی، کانالی برای خروج آب
داخل گرمخانه‌ها وجود دارد. این کانال پس از عبور
از داخل راهرو به حوضچهٔ نسبتا کوچکی در داخل
رختکن و درنهایت به چاه‌های کنده‌شده در سطح
زمین منتهی می‌شود (تصویر٥).

این فضا با طاقی آجری پوشیده شده بوده که متأسفانه
بخش‌های زیادی از آن تخریب شده است (تصویر۹).

این طاق از لحاظ هندسی منطبق بر سبک‌های رایج
نیست و بیشتر متکی بر خلاقیت‌های فردی است. بر
مبنای شواهد موجود، برای احداث آن ابتدا در کنج این
فضا سه‌کنج‌هایی به شکل طاق‌نما با قوس جناقی ایجاد
و از طریق آنها فضای مربع را به دایره تبدیل کرده‌اند.

کف و تمام سطوح دیوارهای این فضا همانند سایر
فضاها با ملات آهک اندود شده است. در برخی قسمت‌ها
این اندود چند لایه است که حکایت از مرمت‌های مکرر
آن دارد.

گرمخانهٔ دوم نیز از نظر پلان و ساختار معماری
شبیه گرمخانهٔ قبلی است. در دیوار شرقی این فضا نیز
حوضچه‌ای تعبیه شده که آب داخل آن از طریق کانالی
تأمین می‌شده است (تصویر۱۰).

نکتهٔ شایان توجه در ساختار معماری این فضا،
صندوقه‌هایی در دیواره‌های شمالی و جنوبی آن است.
(تصاویر ۱۱ و ۱۲). به دلیل سرمای سخت و طاقت‌فرسای
منطقه، سازندگان بنا صندوقه‌هایی برای گرمادهی به
دیوارهای گرمخانه ایجاد کرده‌اند. این صندوقه‌ها از
طریق هواکش‌هایی هوای گرم داخل تون و شبکه‌های
حرارتی زیر فضای حمام را به بدنهٔ دیوارها انتقال می‌داده
است. در زیر فضاهای حمام، شبکهٔ حرارتی وجود دارد
(تصاویر۱۳و۱٤) که از طریق کانال، هوای گرم را به زیر
فضاها و در نهایت از طریق صندوقه‌ها به بدنهٔ دیوارها
انتقال می‌داده است. (نقشهٔ ۷).

از نظر گاهنگاری مدارک خوبی وجود دارد که نشان
می‌دهد حمام مورد بحث متعلق به ساکنان شهرک تخت
سلیمان بوده که پس از تخریب بناهای تشریفاتی کاخ
شکار شکل گرفته است. برخی از این مدارک عبارت
است از: ۱. وجود کاشی‌های تزئینی بناهای تشریفاتی
کاخ شکار در داخل کانال‌های شبکهٔ حرارتی زیر حمام؛
۲. به‌کارگیری مجدد بلوک‌های ماسه‌ای قرمزرنگ بناهای
زمان آباقاخان در کف فضاها؛ ۳. استفاده از آجرهای
ایلخانی؛ ٤. وجود ساخت‌وسازهای دهکدهٔ ایلخانی قبل
از آباقاخان در زیر بخشی از دیوارهای حمام.

کارگاه‌های صنعتی

برخی از ساکنان شهرک تخت سلیمان در داخل فضاهای

مسکونی خود کارگاه‌های صنعتی فلزگری و سفالگری احداث کرده‌اند تا نیازهای اولیهٔ ساکنان شهرک را تأمین کنند. در زیر ویژگی این کارگاه‌ها را شرح می‌دهیم:

کوره‌های سفالگری

به هنگام کاوش ترانشه‌های محدودهٔ حیاط شمالی آتشکدهٔ آذر گشنسب، دو آتشخوان کورهٔ پخت سفال شناسایی شد (تصاویر ۱۵ و ۱۶). کوره‌ها از نوع کوره‌های ساده و فاقد هرگونه پیچیدگی است. یکی از آنها به شکل بیضی نامنظمی به طول ۱۰۵ و عرض ۱۰۰ سانتی‌متر است که از ارتفاع آن ۷۵ سانتی‌متر باقی‌مانده است. عرض دیوارهای آن نیز به طور متوسط ۹ سانتی‌متر است (تصویر۱۷). در دیوارهٔ جنوبی این کوره دریچه‌ای برای انتقال سوخت و کنترل حرارت، به عرض ۴۰ و طول ۷۰ سانتی‌متر ایجاد شده است.

سازندگان این کوره همانند کوره‌های ری، نیشابور و تپهٔ افراسیاب، ابتدا گودالی در سطح زمین ایجاد کرده (Naumann,1971;178-179) و سپس با استفاده از لاشه‌سنگ و آجرهای شکسته و سالم دورهٔ ساسانی، دیوارهٔ کوره را چیده‌اند. سطح دیوارهای داخلی این کوره با لایه‌ای از ملات گل به ضخامت متوسط ۲ تا ۳ سانتی‌متر اندود شده که بر اثر حرارت آتش کوره، به استحکام آجر درآمده است. رنگ کلی این اندود زرد است و آنجا که حرارت افزون شده به سرخ و سبز گراییده است.

در دیوارهٔ شرقی و غربی این کوره، دو پایهٔ آجری برای اجرای تویزه به عرض ۳۵ و ارتفاع ۷۲ سانتی‌متر ساخته شده که شامل پنج ردیف آجر شکستهٔ دورهٔ ساسانی و یک ردیف لاشه‌سنگ است. بدین ترتیب که لاشه‌سنگ‌ها را در ردیف تحتانی و آجرها را در ردیف‌های فوقانی چیده‌اند. سطوح هریک از این تویزه‌ها نیز با ملات گل اندود شده که بقایای آن در برخی از قسمت‌ها قابل مشهود است.

باز بودن حد فاصل تویزه‌ها گذشته از اینکه حرارت را به مخزن انتقال می‌داده، سفالگر را قادر می‌ساخته خاکستر و زباله‌ها را به بیرون بریزد. کف کوره نیز به دلیل حرارت آتش سخت پخته شده است. با توجه به حجم زیاد خاکستری که از داخل این سازه به دست آمده، بی‌گمان سازهٔ مذکور چالهٔ آتش و یا به عبارت دیگر آتشخوان کوره بوده که متأسفانه جایگاه سفال‌ها یا همان مخزن کوره از بین رفته است. با توجه به توپی‌های سفالین مخروطی (تصویر۱۸) که از داخل و اطراف این آتشخوان به دست آمده، می‌توان پنداشت که کورهٔ مذکور، همانند کوره‌های نیشابور و کوره‌هایی که هیئت‌های آلمانی در محدودهٔ اتاق شرقی بنای منسوب به معبد آناهیتا در تخت سلیمان شناسایی کرده‌اند؛ (Naumann. ۱۹۷۱;۱۷۳-۱۷۵). دارای مخزنی استوانه‌ای‌شکل، برای چیدن سفال‌ها بوده که در بدنهٔ آن سوراخ‌های مدوری برای قرار دادن توپی‌های کوره ایجاد شده است.

سوراخ‌های بدنهٔ کوره و توپی‌های مخروطی به منظور کنترل درجه حرارت در کوره تعبیه شده است. هنگامی که حرارت به حداکثر می‌رسیده، سفالگر با برداشتن تعدادی از توپی‌ها حرارت را متعادل می‌کرده و در ساعاتی که سفال پخته می‌شده، با برداشتن هریک از توپی‌ها، مراحل و کیفیت پخت سفال را زیر نظر می‌گرفته است.

همان گونه که لاکام نیز تأیید می‌کند، کاربرد دیگر این توپی‌ها این بوده که سفالگران بعضی از مصنوعات ظریف و دسته‌دار را برای پخت در داخل کوره به سر این توپی‌ها می‌آویختند تا از ایجاد ضایعه‌های احتمالی جلوگیری کنند، یا اینکه ظروف دهانه‌دار مانند سبوها و کوزه‌ها را به طور افقی وارد این توپی‌ها می‌کرده‌اند (Naumann.1971; P 184). به همراه این توپی‌ها، تعدادی پایه (تصویر۱۹) و سه‌پایهٔ سفالین (تصویر۲۰) به دست آمد که از ملزومات کورهٔ سفالگری است. سفالگران برای تولید انبوه، قدح‌ها و کاسه‌ها را به هنگام پخت روی این پایه‌ها وسه‌پایه‌ها می‌چیدند. چنین روشی در حفریات تپه‌افراسیاب نیز گزارش شده است.
(Naumann.1971; P 184)

به همراه ابزارهای فوق، قطعاتی از سفال‌های معمولی و لعابدار دورهٔ ایلخانی از نوع اسگرافیاتو به دست آمد.

کوره‌های فلزگری

در حد فاصل دروازهٔ شمالی و حیاط شمالی آتشکده، تعدادی کارگاه فلزگری شناسایی شد که بخشی از خانه‌های مسکونی محسوب می‌شود. حضور این کارگاه

در داخل خانه‌های مسکونی نشان می‌دهد دست‌کم بخشی از فعالیت‌های خدماتی و صنعتی برای رفع نیازهای روزمرهٔ ساکنان شهرک اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان به صورت خانگی انجام می‌شده است.

یکی از این کارگاه‌ها از دو بخش آتشخوان و مخزن تشکیل شده است (تصویر ۲۱). آتشخوان کوره پلان مستطیلی دارد به طول ۵/۲ و عرض ۱/۸۷ متر که با جهت شمالی ـ جنوبی روی آثار قبلی ساخته شده است. دیوارهای این کوره بر خلاف فضاهای دیگر با آجرهای سالم و شکستهٔ دورهٔ ساسانی و ایلخانی چیده شده است. دسترسی به داخل آتشخوان از طریق راهرو نسبتاً باریکی به عرض ۳۵ سانتی‌متر است که به فضای مدوری به قطر ۵۵ سانتی‌متر منتهی می‌شود (نقشهٔ ۸). این فضا از طریق دو دریچهٔ نسبتاً کوچک به آتشخوان کوره مرتبط می‌شود. در داخل آتشخوان سه پایهٔ آجری برای نگهداری پوشش سقف وجود دارد. نحوهٔ پوشش سقف به این صورت بوده که تخته‌سنگ‌های ماسه‌ای قرمزرنگ را روی این پایه‌ها قرار می‌دادند، به گونه‌ای که بخشی از هر تخته‌سنگ روی پایه‌های آجری داخل آتشخوان و بخشی دیگر روی قسمت برآمدگی دیوارهای پیرامونی قرار گیرد. سطح این تخته‌سنگ‌ها با لایهٔ نسبتا ضخیمی از ملات گچ اندود شده است. در دیوارهای شرقی و جنوبی این آتشخوان، هواکشی به عرض۱۷ و عمق ۲۳ سانتی‌متر برای انتقال هوا و خروج دود وجود دارد.

کف آتشخوان شامل لایه‌ای از گل کوبیده است که روی آن مقداری خاکستر شناسایی شد. به علت استفادهٔ مجدد از این کوره، متأسفانه بخش‌های زیادی از عناصر معماری آن از بین رفته، اما بر مبنای ارتفاع دیوار شرقی و قسمت باقیماندهٔ ورودی شمالی می‌توان دریافت در بالای آتشخوان مورد بحث احتمالاً اتاقکی به عنوان مخزن وجود داشته است.

از نظر کاربری نیز، با توجه به وجود سندان (تصویر۲۲)، حوضچه‌های آب (تصویر۲۳) و حجم زیاد سرباره، میخ و میخ‌طویله (تصویر۲٤) که از داخل و پیرامون این کوره به دست آمده، می‌توان کارکرد آن را کورهٔ آهنگری دانست.

در مجاورت یکی از حمام‌ها، کوره‌ای با پلان مستطیل‌شکل شناسایی شد که طول آن ۲/۵۰ و عرض آن ۲ متر است (تصویر۲۵). این کوره با جهت شرقی ـ غربی روی ساخت‌وسازهای دهکدهٔ ایلخانی قبل از آباقاخان احداث شده است. نحوهٔ ساخت آن به این صورت بوده که ابتدا گودالی را در سطح زمین و بر روی ویرانه‌های قبلی حفر کرده وسپس دیوارهای آجری را در داخل این گودال روی پی‌های سنگی احداث کرده‌اند. عرض دیواره‌های این کوره ۳٤ سانتی‌متر است که با خشت‌هایی به ابعاد ۵×۲۰×۲۰ سانتی‌متر و ملات گل چیده شده‌اند. خشت‌ها به علت حرارت زیاد کوره به آجر قرمزرنگ تبدیل شده‌اند. در دیوارهای شمالی و جنوبی کوره، سه تویزهٔ آجری با قوس جناقی وجود دارد که عرض هر یک از آنها ۲۲ سانتی‌متر است (تصویر۲٦). ارتفاع این تویزه‌ها از کف کوره تا تیزهٔ قوس ۱/۳۵ سانتی‌متر است. تمام سطوح داخلی این کوره با گل رس اندود شده که بر اثر حرارت به حالت لعاب‌پز درآمده است.

در بدنهٔ دیوار غربی، کانالی برای دمیدن هوا به داخل آتشخوان کوره ایجاد شده است. در بالای این هواکش، دریچه‌ای به عرض ۲۸ و ارتفاع ٤٤ سانتی‌متر با طاق جناقی وجود دارد که برای کنترل حرارت ایجاد شده است.

کف این کوره مخلوطی از ملات گل و آهک شفته است که روی آن حجم زیادی خاکستر به دست آمد.

شواهد ومدارک معماری نشان می‌دهد دیوار شرقی این کوره تخریب و سپس مرمت شده است. در این مرحله بر خلاف سایر قسمت‌های کوره، بخش‌های تخریب‌شده را با خشت‌های خام به ابعاد ۵×۲۸×۲۸ سانتی‌متر بازسازی کرده‌اند. خام بودن خشت‌ها نشان می‌دهد در این مرحله استفادهٔ زیادی از کوره نشده است.

اگر چه آگاهی چندانی از مخزن کورهٔ مورد بحث نداریم، امّا با توجه به اینکه ارتفاع دیوارهای شرقی و غربی این کوره بیشتر از تویزه‌هاست، به نظر می‌رسد مخزن کوره نیز همانند آتشخوان، دارای پلانی مستطیل با پوششی از طاق و قوس بوده که حرارت داخل آن از طریق فضاهای باز حد فاصل تویزه‌ها تأمین می‌شده است.

تاکنون مدرک محکمی به دست نیامده تا بتوانیم کارکرد واقعی این کوره را مشخص کنیم. متأسفانه حجم زیاد خاکستر مجاور کوره نیز هیچ کمکی به تعیین

کارکرد واقعی آن نمی‌کند. سیلیسی نشدن اندود کوره به دلیل حرارت کم از یک سو و وجود مخزن روی آتشخوان از سوی دیگر موجب شده که نتوانیم کارکرد آن را کورهٔ فلزگری بدانیم. شباهت این کوره با کوره‌های آجرپزی، از جمله کوره‌های بیستون (مرادی، ۱۳۸۱)، ممکن است موجب این تصور شود که احتمالاً از این کوره برای پخت آجر استفاده می‌کرده‌اند. اما با توجه اینکه ابعاد آن کوچک‌تر از کوره‌های آجرپزی است و از سوی دیگر در داخل بافت مسکونی قرار دارد نمی‌توان کارکرد کورهٔ آجرپزی را برای آن تصور کرد. اگر هم گمانهٔ نگارنده صحیح نباشد، با توجه به اینکه این کوره دارای مخزن است شاید بتوان آن را کورهٔ سفالگری دانست، هر چند با کوره‌های سفالگری تخت سلیمان تفاوت‌های بنیادین دارد.

نتیجه‌گیری

بناهای کشف شده در این بافت نشان می‌دهد اگر چه تخت سلیمان در اواخر دورهٔ ایلخانی به عنوان شهر مهم مورد توجه نبوده و اهمیت زمان آباقاخان را نداشته، احتمالاً شهرک بزرگی بوده که به حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی خود ادامه داده است. با گمانه‌زنی در زمین‌های پیرامون تخت سلیمان، بقایایی از معماری ساکنان این شهرک شناسایی شد، اما از آنجایی که این ساخت‌وسازها در داخل مرغوب‌ترین زمین‌های کشاورزی قرار دارند و دیگر زمینی برای کشاورزی به روش آبی وجود نداشته، به نظر می‌رسد اقتصاد ساکنان این شهرک مبتنی بر شغل‌های خدماتی و احتمالاً دامپروری بوده است، به طوری که امروزه نیز اکثر روستاهای منطقه به دلیل وفور مراتع از طریق دامپروری امرار معاش می‌کنند.

متأسفانه تاکنون مدارکی به دست نیامده که نشان دهد ساکنان شهرک تخت سلیمان به چه علت مجموعه را ترک کرده‌اند و پس از ترک مجموعه در کجا ساکن شده‌اند؟ گمانه‌زنی‌ها و بررسی‌های انجام گرفته نیز تاکنون نتوانسته‌اند به این پرسش بنیادین پاسخ دهند. اما کاوش‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهد مجموعهٔ تخت سلیمان در واپسین سال‌های حکومت ایلخانی محلی برای اتراق کوچ‌نشینان فصلی بوده که بخشی از سال، به‌ویژه بهار و تابستان، را در آنجا می‌گذراندند. بخشی از این سازه‌ها در داخل بناهای عام‌المنفعهٔ محدودهٔ آتشکده و در ورودی شمالی قرار دارد و بخشی دیگر به صورت مستقل روی بناهای قبل از خود احداث شده است. متأسفانه به دلیل دخل و تصرف‌های کوچ‌نشینان بخش کمی از فضاهای مسکونی باقی مانده است. بر اساس بخش‌های باقیمانده این وارگه‌های کوچ‌نشینی (نقشهٔ ۹) شامل خانه‌هایی با فضاهای نسبتاً کوچک است که در داخل برخی از آنها سیلو و تنورهایی با کارکردهای متفاوت وجود دارد. از این تنورها علاوه بر پخت‌وپز، به دلیل سرمای طاقت‌فرسای منطقه، برای گرم کردن فضاها نیز استفاده می‌کردند.

منابع

ابودلف، مسعربن المهلهل. سفرنامه ابودلف در ایران (با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی)، ترجمهٔ سیدابوالفضل طباطبایی، انتشارات زوار، تهران، ۱۳٤۲.

مرادی، یوسف. «گزارش دومین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی پل بیستون»، (منتشرنشده)، مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی، تهران، ۱۳۸۱.

هوف، دیتریش. «تخت سلیمان»، ترجمهٔ فرامرز نجد سمیعی، در شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، ٤ جلد، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳٦۸، ج ۳، ص ۳۳-۱.

ناومان، رودلف. ویرانه‌های تخت‌سلیمان و زندان سلیمان، ترجمهٔ فرامرز نجد سمیعی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷٤.

Kleiss,Wolfram. "Takht-I Suleiman und Zendan-I Suleiman, grabungsbericht 1963/1964," Arch(ologischer Anzeiger, Heft 4,1965, pp. 713-7.

Naumann, Rudolf. "Brennofen fur Glasurkeramik", Sonderdruck aus istanbuler Mitteilungen , 21, 1971, pp. 173-190, Tafel 54-60.

نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی مجموعهٔ تاریخی تخت سلیمان

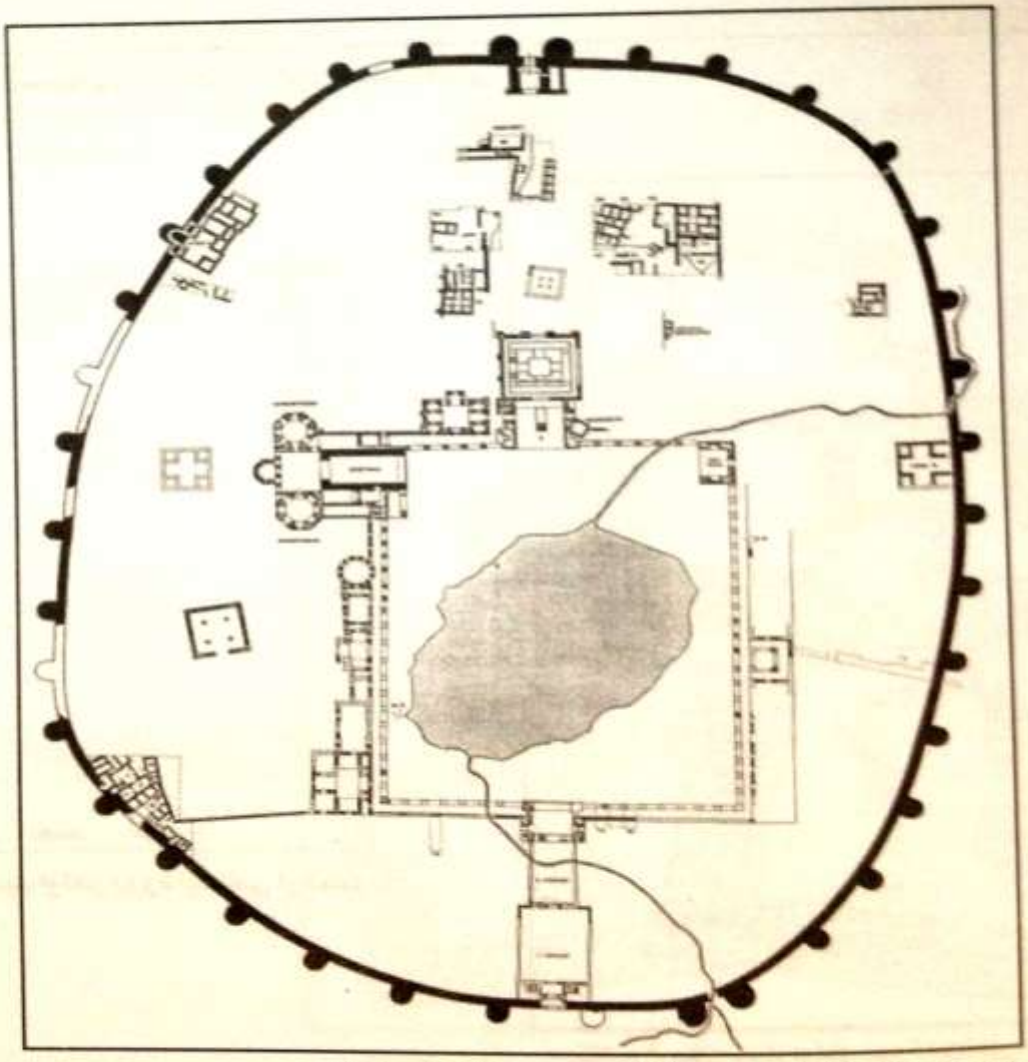

نقشه ۲. پلان بناهای دوره ایلخانی مجموعه تخت سلیمان

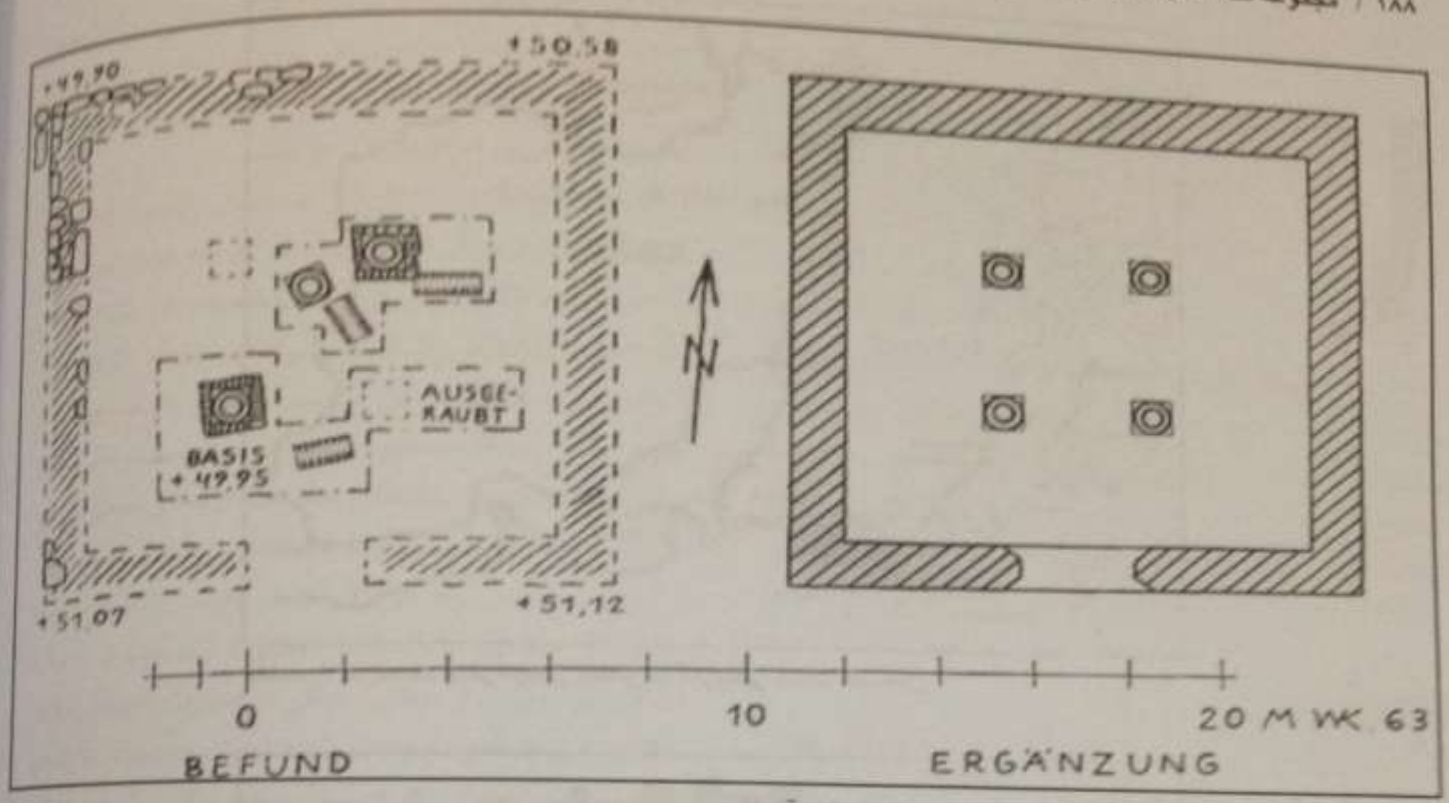

نقشه ۳ و ۴. پلان بنای مسجد پس از کاوش‌های هیئت آلمانی

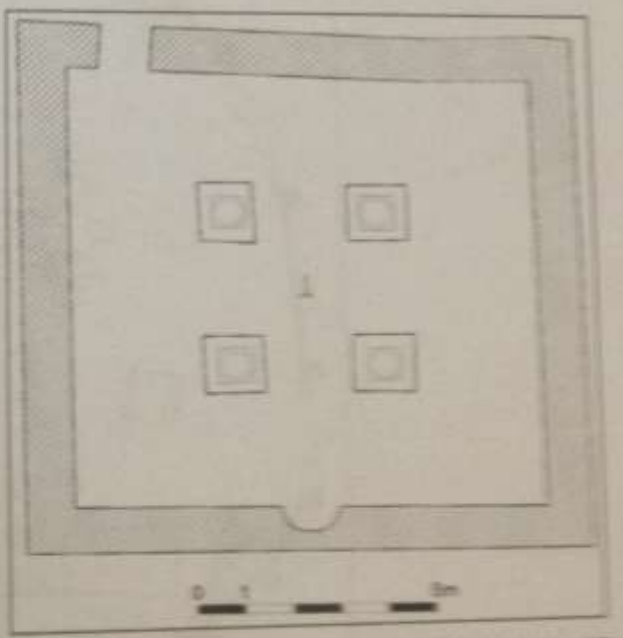

نقشه ۵. پلان بنای مسجد اواخر دورهٔ ایلخانی از تخت سلیمان

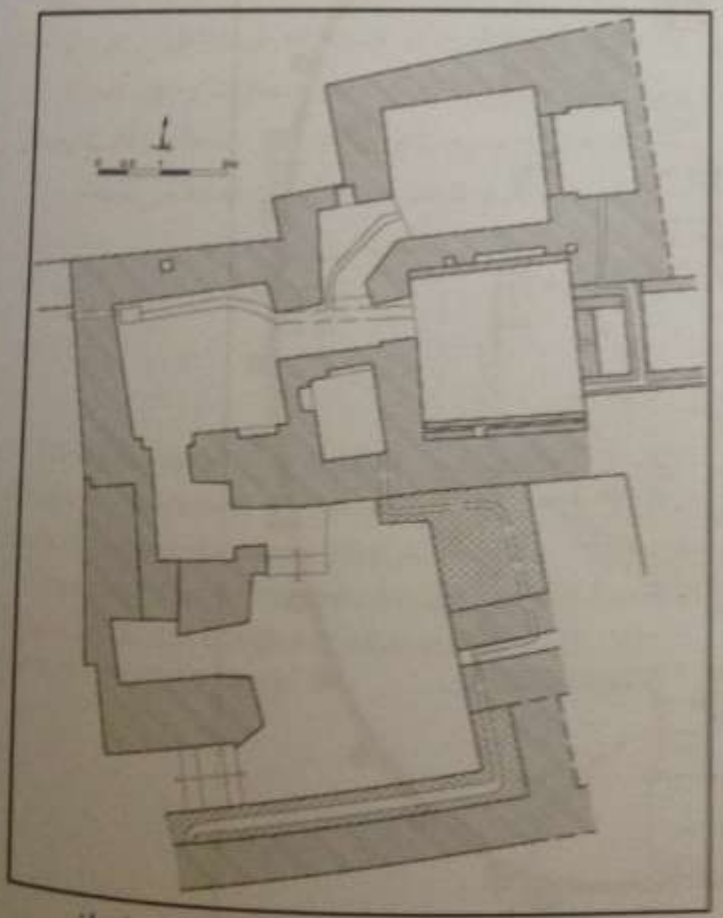

نقشه ۶. پلان حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

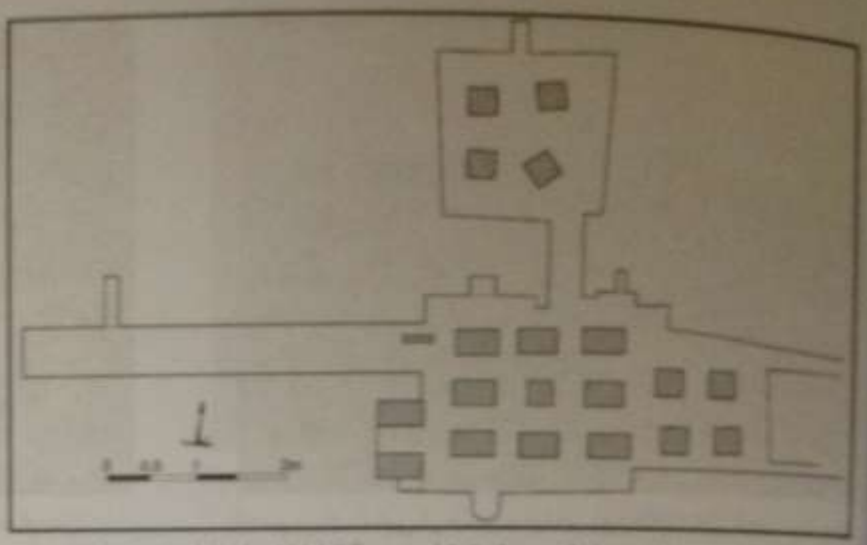

نقشه ۷ پلان سیستم حرارتی حمام اواخر دورهٔ ایلخانی از تخت سلیمان

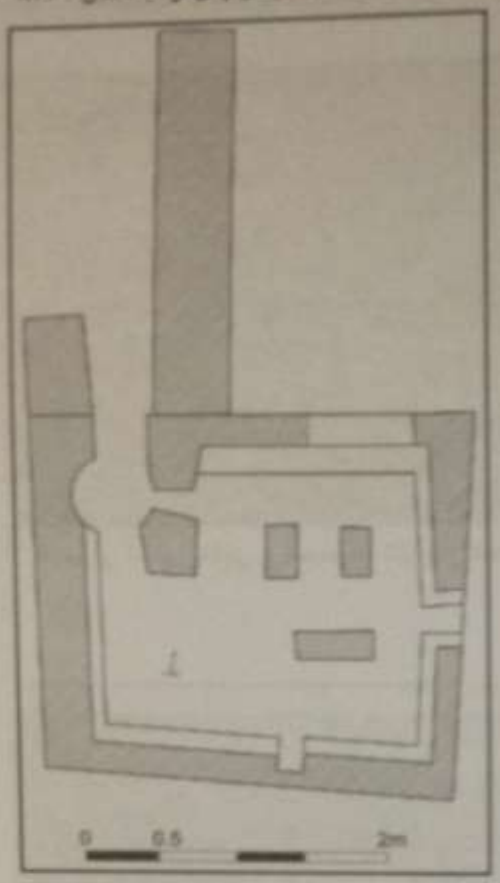

نقشه ۸ پلان کارگاه فلزگری اواخر دور ایلخانی
تخت سلیمان

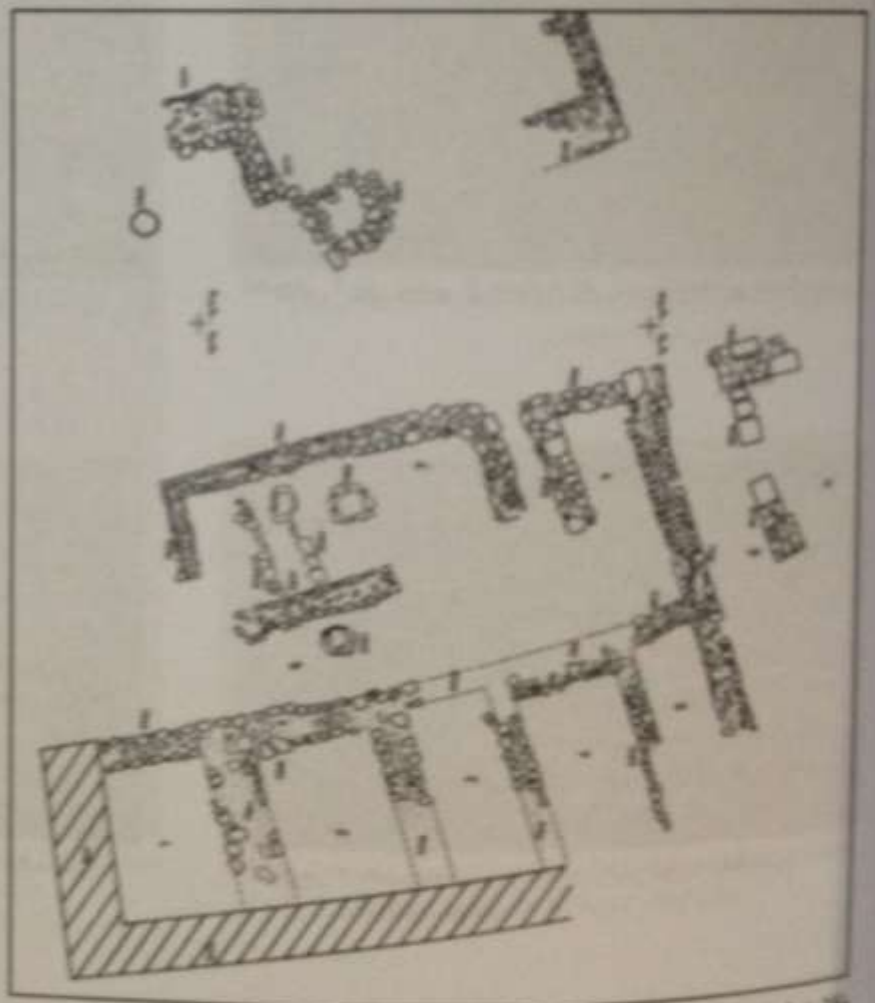

نقشه ۹ پلان ساخت و سازهای کوچ‌نشینی اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

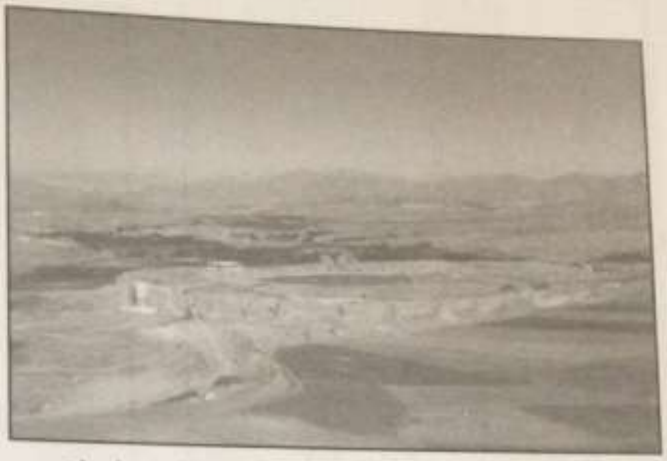

تصویر ۱. دورنمایی از مجموعهٔ تاریخی تخت سلیمان

تصویر ۲. نمایی از مسجد اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۳. نمایی از محراب مسجد اواخر دورهٔ ایلخانی
تخت سلیمان

تصویر ۴. دورنمایی از حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۵. نمایی از سربینهٔ حمام اواخر دورهٔ ایلخانی
تخت سلیمان

تصویر ۶. نمایی از خزینهٔ حمام اواخر دورهٔ ایلخانی
تخت سلیمان

تصویر ۷. نمایی از بینه و سربینهٔ حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۸. نمایی از بینه (گرمخانه) حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۹. نمای دیگری از بینه (گرمخانه) حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۱۰. حوضچه داخل بینه (گرمخانه) حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۱۱. مقرنسهٔ تخریب‌شده در دیوار شمالی بینه (گرمخانه) حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۱۲. صندوقهٔ تعبیه‌شده در دیوار جنوبی بینه (گرمخانه) حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۱۳. نمایی از کانال‌های انتقال حرارت در زیر حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۱۴. نمایی از کانال های انتقال حرارت در زیر حمام اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

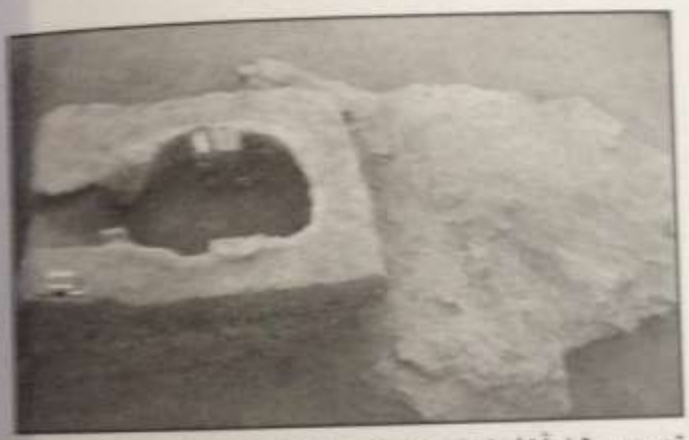

تصویر ۱۵. آتشخوان کورهٔ سفالگری شمارهٔ ۱ اواخر دوره ایلخانی، حیاط شمالی آتشکدهٔ تخت سلیمان

تصویر ۱۶. آتشخوان کورهٔ سفالگری شمارهٔ ۲ اواخر دورهٔ ایلخانی، حیاط شمالی آتشکدهٔ تخت سلیمان

تصویر ۱۷. آتشخوان کورهٔ سفالگری شمارهٔ ۱ اواخر دوره ایلخانی، حیاط شمالی آتشکدهٔ تخت سلیمان

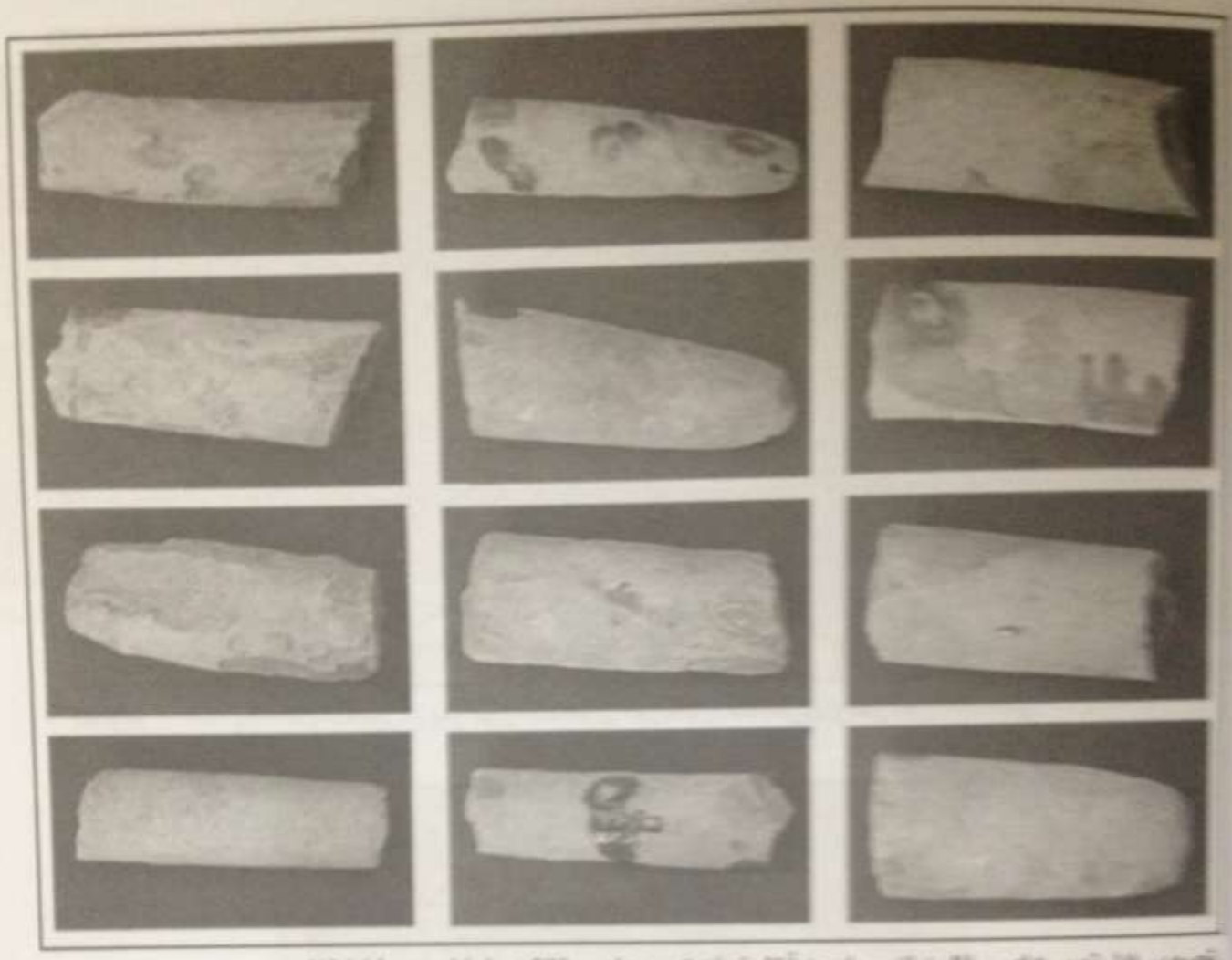

تصویر ۱۸ تویه‌های سفالین از پیرامون آتشخوان کوره‌های سفالگری اواخر دورهٔ ایلخانی

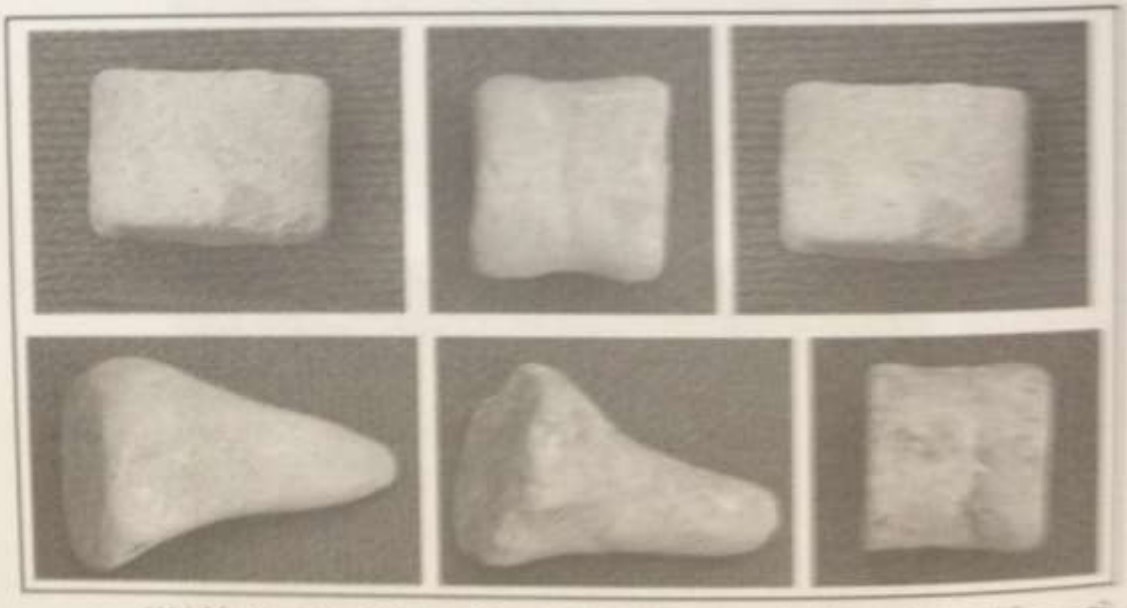

تصویر ۱۹ پایه‌های سفالین از پیرامون آتشخوان کوره‌های سفالگری اواخر دورهٔ ایلخانی

تصویر ۲۰. سه پایه‌های سفالین از پیرامون آتشخوان کوره‌های سفالگری اواخر دورهٔ ایلخانی

تصویر ۲۱. کارگاه فلزگری اواخر دوره ایلخانی از تخت سلیمان

تصویر ۲۲. سندان کارگاه فلزگری اواخر دوره ایلخانی از تخت سلیمان

تصویر ۲۳. حوضچه آب کارگاه فلزگری اواخر دورهٔ ایلخانی از تخت سلیمان

تصویر ۲۴. ابزارهای فلزی پیرامون کارگاه فلزگری اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۲۵. کورهٔ اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

تصویر ۲۶. کورهٔ اواخر دورهٔ ایلخانی تخت سلیمان

archbook